

شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۹۸ ● ۵ رجب ۱۴۴۱ ● ۲۹ فوریه ۲۰۲۰

اخبار

انتشار شایعات درباره کرونا تنها مایه اغتشاش خبری است

معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد می‌گوید انتشار گمانه زنی‌ها، شایعات بدون منبع مشخص و بدون تأیید نهادهای رسمی صرفاً افزایش اضطراب و اغتشاش خبری را در پی خواهد داشت.

کارگاه آموزشی «مدیریت بحران با محوریت کرونا» با حضور ۲۵ نفر از روزنامه‌نگاران حوزه سلامت در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها برگزار شد.

محمد خدادی، معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی، دکتر اکبر نیک‌پژوه متخصص طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی و رامین رادنیא مدیر واحد پورتال سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران سخنرانان این کارگاه آموزشی ۳ ساعته بودند.

محمد خدادی در ابتدای این نشست، ضمن ارائه توصیه‌هایی در خصوص سازوکارهای اطلاع‌رسانی در شرایط بحرانی، بر لزوم مرجعیت رسانه‌ای رسانه‌های رسمی در جریان رویدادهای اخیر به‌ویژه شیوع بیماری کرونا تأکید کرد.

معاون امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی به انتشار گسترده شایعات و گمانه‌زنی‌ها درخصوص شیوع ویروس کرونا اشاره و خطاب به خبرنگاران حاضر گفت: انتشار گمانه زنی‌ها، شایعات بدون منبع مشخص و بدون تأیید نهادهای رسمی صرفاً افزایش اضطراب و اغتشاش خبری را در پی خواهد داشت و آرامش و امنیت روانی مردم را هدف قرارمی‌دهد.

وی تأکید کرد: با توجه به انتشار گسترده اخبار جعلی در شبکه‌های اجتماعی، وظیفه رسانه‌های شناسامه‌دار و رسمی است که

میدان‌دار و مرجع اطلاع رسانی برای مردم باشند تا ضمن جلوگیری از نگرانی بی مورد، موجب حفظ آرامش روانی مردم با دریافت اخبار درست و دقیق مورد نیازمردم دراین شرایط شویم.

بر اساس این گزارش، دکتر اکبر نیک‌پژوه، متخصص طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی نیز به بیان تاریخچه، سابقه و انواع گونه‌های ویروس کرونا پرداخت و ضمن ارائه توصیه‌هایی به خبرنگاران حوزه سلامت، آن‌ها را به کسب اطلاعات موثق از مراجع رسمی و تلاش مضاعف در کاهش نگرانی‌ها و التهابات جامعه دعوت کرد.

وی ضمن تشریح فرآیند رشد ویروس کرونا و مقایسه نقشه ژنتیکی این ویروس با دو ویروس سارس و مرس که در سال‌های گذشته موجب تلفات انسانی در جهان شدند، به این نکته اشاره کرد که خطر اصلی در ویروس کرونا سرعت شیوع آن است وگرنه بیش از ۸۰ درصد مبتلایان با درمان اولیه بهبودی پیدا می‌کنند و بقیه نیز در بیمارستان درمان می‌شوند. به گفته دکتر نیک پژوه تلفات انسانی این ویروس بر اساس آمارهای جهانی بین ۵/۱ تا ۲ درصد مبتلایان است که عمدتاً با سالمند بوده و یا دارای بیماری‌های زمینه‌ای بوده‌اند.

وی راه اصلی ورود ویروس کرونا را مخاط دهان و بینی و نیز چشم بیان کرد که در صورت رعایت بهداشت دست و شستشوی مداوم آن احتمال ابتلاء به حداقل می‌رسد.

این متخصص طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی با اشاره به علائم اولیه بیماری از جمله «تب، سرفه خشک و درد قفسه سینه» از تهیه و ابلاغ پروتکل‌های درمان این بیماری توسط وزارت بهداشت و روشن شدن مسیر درمان مبتلایان خبر داد و تأکید کرد: ایمنی بدن در قریب به اتفاق بیماران منجر به مقاومت در برابر ویروس کرونا و درمان آن بدون نیاز به بستری شدن در بیمارستان شده است.

دکتر نیک پژوه در انتها به ارائه آخرین اطلاعات موجود از شیوع بیماری کوید ۱۹ و ویروس کرونا در سایت سازمان بهداشت جهانی پرداخت.

در ادامه رامین رادنیا نیز در سخنانی، آموزش و آگاه سازی افکار عمومی جامعه در شرایط بحرانی را مهم‌ترین اصل در پیشگیری، آمادگی و مقابله و مدیریت بحران عنوان کرد و گفت: سطح سواد و تحصیلات مخاطبان، ابزارهای در اختیار برای آموزش و اطلاع رسانی، برخورداری رسانه از اطلاعات و دانش موضوع مورد نظر، زبان مشترک برای انتقال معانی پیام‌ها، زمینه‌های فرهنگی پذیرش، وضعیت اقتصادی جامعه، میزان مقبولیت، مشروعیت و اعتبار منبع پیام، تجربه‌های پیشین، سطح حمایت و مشارکت اجتماعی، هنجارها، نگرش و باورهای عمومی، ازجمله عوامل مؤثر بر فرآیند اطلاع رسانی و آموزش جامعه در برابر بحران‌ها است.

وی خطاب به خبرنگاران حاضر در این کارگاه آموزشی گفت: به طور حتم تجربه ما در مواجهه با کرونا آگاهی عمومی جامعه ایران را نسبت به بیماری‌های فراگیر افزایش خواهد بخشید و نگاه به بهداشت محیط، الزامات پوشش درمانی و همچنین اطلاع رسانی و آموزش عمومی در برابر بحران‌ها متحول شده و نتایج مثبت آن نصیب نسل‌های آینده خواهد شد.

وی در پایان افزود: تاکنون رسانه‌های

نوین همچون شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ارتباطی گوی سبقت را از رسانه‌های سنتی

بروه‌اند. دسویه بودن ارتباطات و ایفای نقش

مخاطب در رسانه، شفافیت و اعتبار، سرعت

انتقال پیام، گستردگی مخاطب، سهولت

دسترسی و نهایتاً قدرت نظارتگری مزیت

رسانه‌های نوین به شمار می‌آید.

گفتنی است کارگاه آموزشی «روزنامه نگاری بحران» در چارچوب سیاست معاونت مطبوعاتی و اطلاع رسانی برای گسترش آموزش‌های تخصصی روزنامه نگاری طراحی و اجرا شد.

توجه به«انسان»در منظومه فکری و سلوک عملی آیت‌الله ارباب چشمگیر است، او راز عمر طولانی خود را در این می‌دانست که هیچگاه برای کسی بد نخواست. در گذشته چنین شخصیت‌هایی مرجعیت اجتماعی داشتند.

پس از پایان هشت سال دفاع مقدس، ضرورت بازسازی خرابی‌های جنگ و همچنین توسعه کشور پیش آمد. این توسعه نیاز به مبانی نظری داشت که متأسفانه چندان جدی گرفته نشد. روند توسعه بدون توجه به ضرورت‌های اسلامی اقتصاد وضعیت فرهنگی عجیبی را پیش آورد که مؤلفه اصلی آن کم‌رنگ شدن و زیرسوال رفتن همبستگی اجتماعی است.

در این سال‌ها مد شده که با کوچک‌ترین رخداد سیاسی یا اجتماعی، ایرانیان بازار آزاد معیشت مردم عادی را به خطر انداخته و اجناس و مایحتاج ضروری مردم را به قیمت‌هایی نجومی عرضه کنند. متأسفانه این رویه بدل به سنتی سیاه شد و به صورتی هرمی کل جامعه را دربر گرفت. اگر تاجری سودجو در رخدادی کالای ضروری مردم را به چندبرابر قیمت معمول عرضه می‌کند، متأسفانه کاسب خرده‌فای محلی نیز که همسایه مشتریان روزانه خود است، انبارش را در این شرایط به روی مردم نمی‌گشاید. چند برابر شدن قیمت ماسک و خوراکی‌هایی چون زنجبیل، مرکبات و … در این هنگامه شیوع ویروس کرونا شاهدی بر این مدعاست. گران شدن اجناس و مایحتاجی که مصرفشان در این روزهای شیوع ویروس کرونا در رژیم غذایی روزانه مردم، ضروری است، جز بدخواهی برای هم‌نوع و کاسبی کردن با خون هم‌وطنان، همشهریان و همسایه‌ها، چه می‌تواند باشد؟

اما مردم ایران همیشه این‌گونه نبوده‌اند. تا چند دهه پیش علما و بزرگان فکری مرجعیت فرهنگی ایرانیان را بر عهده داشتند. طریق سیر و سلوک اجتماعی آن شخصیت‌ها، سبک زندگی طبقات مختلف مردم را تعیین می‌کرد و همین نکته باعث همبستگی اجتماعی عجیبی شده بود که نتایج مهمی داشت که حتی پیروزی بر رژیمی مانند پهلوی را می‌توان از جمله این نتایج دانست. گران شدن اجناس و مایحتاجی که مصرفشان در این روزهای شیوع ویروس کرونا در رژیم غذایی روزانه مردم، ضروری است، جز بدخواهی برای هم‌نوع و کاسبی کردن با خون هم‌وطنان، همشهریان و همسایه‌ها، چه می‌تواند باشد؟[ایرانیان معرفتی که مرجعیت فکری و اجتماعی مردم ایران را بر عهده داشتند، به دلیل توجه خاصشان به «انسان» به مقامات بالای عرفان نیز رسیده بودند. مکتوبات مهمی پس از درگذشت آنها در شرح این مقامات منتشر شده است. یکی از این بزرگان آقا رحیم ارباب است. شخصیت برجسته‌ای از معمرین بود و طول عمر ایشان برکات مهمی را برای فرهنگ ایران معاصر درپی داشت.

شخصیت علمی آقا رحیم ارباب

آیت‌الله العظمی آقا رحیم ارباب از جمله آخرین نسل از علمای مکتب فکری و فلسفی

سلوک اجتماعی آقا رحیم ارباب

بدخواه هم‌نوعان نباشید تا عمرتان طولانی شود



اصفهان است. او جامع علوم عقلی و نقلی بود، به‌گونه‌ای که حتی مراجع نجف از جمله مرحوم آیت الله سیدجمال الدین گلیایگانی اعتقاد داشتند که نظیر آیت الله ارباب در حوزه نفی پیدا نمی‌شود.» از میان اساتید آیت الله ارباب، چهار شخصیت بسیار مهم هستند: آیت میرزا جهانگیر خان قشقایی، ملامحمد کاشانی (آخوند کاشی)، سیدمحمد باقر درچه‌ای و حاج میرزا بدیع درب امامی.

آقا رحیم ارباب قوانین الاصول را نزد حاج میرزا بدیع درب امامی خواند و بعدها متوجه دروس خارج فقه آیت‌الله العظمی سیدمحمد باقر درچه‌ای شد. آیت‌الله درچه‌ای معاصر آیت الله العظمی سیداسماعیل صدر بود و پس از درگذشت ایشان،

مردم برای امور شرعی به آیت الله درچه‌ای رجوع کردند. ویژگی مهم آیت‌الله درچه‌ای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که بر اساس نظریات فقهی‌اش انجام می‌گرفت. نزد میرزا بدیع درب امامی هم مسائل اجتماعی اهمیت ویژه‌ای داشت. آیت‌الله ارباب عمده علوم و حکمت اسلامی را نزد جهانگیر خان و آخوند کاشی به این شرح خواند: شرح اشارات محقق طوسی و شفای ابن‌سینا، درس اخلاق استدلالی و درس نهج البلاغه نزد میرزا جهانگیرخان قشقایی و یک دوره حکمت مشا، علوم مختلفی مانند هیأت و ریاضیات و در ادامه حکمت متعالیه را نزد آخوند کاشی.

در طریق سیر و سلوک نیز آیت الله ارباب از جهانگیرخان و آخوند کاشی پیروی می‌کرد و بویژه در عرفان عملی از شاگردان خاصه آخوند کاشی بود. بیست سال شاگردی نزد آخوند کاشی از آقا رحیم ارباب شخصیت برجسته‌ای ساخت. آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی، رفقای صمیمی همدیگر بودند و حضور آنها رونق حوزه اصفهان را موجب شده بود. چهره‌های برجسته‌ای که از دل این حوزه بیرون آمده و اثرگذار شدند همگی از شاگردان این دو عارف و حکیم برجسته بودند. هرچند این دو از عرفای برجسته روزگار خود و از بزرگان حکمت متعالیه یا فلسفه صدراتی بودند، اما تسلط آنها در مکاتب دیگر علوم عقلی بویژه

ما چه بودیم و چه شدیم؟

سیمای بزرگان در سال‌های شیوع وبا و تیفوس



نتکیم که بیماری‌های همه گیر و دیگر مصائب و مشکلات روزی تمام می‌شوند، مهم این است که در این بزنگاه‌چه چهره‌ای از خود در تاریخ ثبت خواهیم کرد؟

شیخ هادی نجم آبادی و پرستاری از بیمار یازدهه شیخ هادی نجم‌آبادی از بزرگان تهران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود. از او به عنوان معلم مشروطه نیز یاد کرده‌اند. شیخ یکی از اصحاب آقا سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز بود و تنها کسی که جرأت داشت پس از اعدام میرزا رضای کرمانی برای او مجالس ترجمه بگیرند. به او همت‌های بسیاری زده و علمای سنتی او را به جهت نوع فتاواش و همچنین سیر و سلوک اجتماعی که داشت، تکفیر کرده بودند. در اینجا قصد نداریم به معرفی شیخ هادی بپردازیم، فقط یک مورد از کنش‌های اخلاقی اجتماعی او را که ریاست امور شرعی بخشی از مردم تهران را نیز بر عهده داشت، بازگو خواهیم کرد.

محمود حکیمی در کتاب «هزار و یک حکایت تاریخی» به نقل از مجله وحید، چند حکایت درباره شیوه سیر و سلوک اجتماعی آقا شیخ هادی نجم آبادی آورده است که یکی از این حکایت‌ها شگفت انگیز است. این حکایت را در ادامه بخوانید:

یکی از اطرافیان شیخ هادی نجم آبادی نقل کرده است که «یک روز یکی از علاقه‌مندان شیخ که مردی افغانستانی بود و گاهگاهی به دین شیعی می‌آمد برای او پیغام داد که: من دچار بیماری وبا شده‌ام به خاطر خدا بر سر بالینم بیایید. شیخ با آنکه سال‌ها بود هیچ جا نرفته بود آهنگ عیادت بیمار را کرد به من گفت تو هم بیا. من قبول کردم و به همراه وی به خانه بیمار وبا زده رفتم. بیمار از شدت استفرغ و اسهال کاملاً توانایی خود را از دست داده بود، به طوری که در حضور ما دو بار به سختی خود را به توالت رساند، ولی بار سوم دیگر یاری حرکت نداشت. شیخ رو به من کرد و گفت این مرد غریب است، قادر به حرکت نیست. وی را سرپا بگیر که پیش خدا بی‌تواند نیست.

من برخاستم، او را به مالت بردم و سرپا گرفتم ولی از شدت عفونت و گند حالم بهم خورد. سپس او را شسته و خوابانیدم. پس از چندی بازم آن مرد غریب اسهال گرفت. این بار خود شیخ برخاست و او را بغل گرفت. من هرچه اصرار کردم که من جوانم و شما پیر و

خود که همیشه خیر خواه آنها بوده‌ام، لذا خداوند متعال طول عمر به من عنایت فرموده.» البته این خبرخواهی محدود به نزدیکان و ایرانیان نبود. در تاریخ ثبت است که آیت الله ارباب در جریان استقلال الجزایر در سال ۱۳۴۲ شمسی، فتوایی برای کمک به مسلمانان و ملت الجزایر و علیه دولت فرانسه صادر کرد.

یکی از مهم‌ترین و بهترین کتاب‌ها در شرح حال، طریق سیر و سلوک و خاطرات آیت الله ارباب «ارباب معرفت» نام دارد که به کوشش و قلم محمدحسین ریاحی تدوین شده است. این کتاب را ابتدا اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان منتشر کرد و بعدها با ویراستی جدید توسط انتشارات جنگل و جاودانه بازنشر شد.

روایت‌هایی که در این کتاب از سلوک اجتماعی آیت الله ارباب در قالب خاطرات نزدیکان ثبت شده بسیار حیرت انگیز است. کاش بشود فرصتی را فراهم کرد تا همه مردم فرصت مطالعه این خاطرات را داشته باشند. خاطراتی که از یک سبک زندگی خاص حکایت می‌کنند؛ سبکی از زندگی و طریقی در سیر و سلوک اجتماعی که عنصر مفقود شده فرهنگ امروز ماست. چند روایت از این کتاب را بخوانیم:

نخست: «حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ اسدالله جوادی نقل کرده که: «سالی بود که در اصفهان بارندگی بسیار شد و خانه‌های زیادی خراب یا در شرف خراب شدن بود. آقا همسایه‌ای داشتند که آنقدر هم مذهبی نبود و چند بچه داشت. آقا به عیالشان فرموده بودند بروید در خانه همسایه و ببینید در چه وضعی هستند، همسرشان آمده و دیده بود که زن و بچه همسایه گریه می‌کنند و اتاق آنها مشرف به خراب شدن بود و موضوع را برای آقا نقل کرده بود.

آیت الله ارباب فوراً آنها را به منزل خود برده بودند. نکته‌ای که جالب توجه است اینکه آقا کی اتاق و یک پس اتاق بیشتر نداشتند و فرموده بودند که شما در اتاق زندگی کنید من و همسرم در پس اتاق. پس از قطع بارندگی و مرمت خانه، همسایه قصد رفتن به منزل خود را کرد. در آن حال آقا فرموده بودند من باید ببینم که اتاق قابل زندگی هست یا نه و بعد از آن باید بروید. پس از تحقیق دیده بودند که منزل او قابل سکونت است سپس فرموده بودند حالا مختارید می‌خواهید بمانید یا بروید اختیار با شماست.»

روایت دوم؛ محمدباقر کتابی نیز روایت کرده است که: «وقتی که عازم سفر بیت الله بودم و جهت خداحافظی منزل آقای ارباب رفته به ایشان عرض کردم آقا امدام خداحافظی، ضمناً یک مقداری پول داروده و گفتم که این پول‌ها بر ذمه من است که امدام خدمت شما بدهم. آقا دست در جیبشان کردند. مقداری پول درآورده و به من دادند و فرمودند: آقا چرا از فلان همسایه‌تان غافلید. این پول‌ها را با پول‌های خودتان روی هم گذاشته و به او بدهید.»

اخبار

اقدامات سازمان فرهنگی هنری برای مقابله با شیوع بیماری ویروسی کرونا

مدیر کل ارتباطات و امور بین‌الملل سازمان فرهنگی هنری از اقدامات این سازمان برای مقابله با شیوع بیماری ویروسی کرونا در مراکز فرهنگی شهر تهران خبر داد.

به گزارش امتیاز، سعید صدرائیان مدیر کل ارتباطات و امور بین‌الملل سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران از اقدامات این سازمان برای مقابله با شیوع بیماری ویروسی کرونا در مراکز فرهنگی شهر تهران خبر داد و گفت: به منظور پیشگیری از شیوع ویروس کرونا فعالیت‌های فرهنگی هنری شامل بخش‌های آموزشی، نگارخانه‌ها و موزه‌ها تعلیق شده اگرچه فعالیت‌های روزمره ستادی و مراکزسازمان فعال بوده و متوقف نشده است.

وی با بیان اینکه نصب برنهای آموزشی با موضوع کرونا در مراکز سازمان فرهنگی هنری از جمله اقدامات در بحث پیشگیری بوده است افزود: فعالیت تمامی کتابخانه‌های سازمان نیز تا ساعت ۱۷ بوده و به جز بخش امانت، سایر بخش‌ها از جمله سالن‌های مطالعه، بخش مرجع و نشریات کودک و نوجوان تا اطلاع بعدی تعطیل خواهد بود. همچنین مجموعه‌های ورزشی این سازمان شامل آبی و غیرآبی نیز به منظور مقابله با شیوع بیماری کرونا تعطیل است. صدرائیان از تعطیلی مراکز سازمان فرهنگی هنری در روزهای پنجشنبه و جمعه تا پایان سال خبر داد و افزود: پاک‌سازی و سالم‌سازی فضاهای عمومی مراکز از جمله نمازخانه، سالن‌های انتظار، کلاس‌ها و… هم با استفاده از مواد ضدعفونی‌کننده در حال انجام است.

وی در پایان ابراز امیدواری کرد که شهروندان با حفظ آرامش و روحیه تعاون، در انجام اقدامات پیشگیرانه برای مقابله با بیماری کرونا همکاری کنند.

ترجمه دومین کتاب طنز «میراث آمریکا» چاپ شد

کتاب «زندگانی من و روزگار سخت» نوشته جیمز تریر با ترجمه حسن هاشمی مینباد توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شد.

کتاب «زندگانی من و روزگار سخت» نوشته جیمز تریر به‌تاریکی با ترجمه حسن هاشمی مینباد توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب یکی از عناوین مجموعه «تاخت‌وانه طنز» است که این‌ناشر چاپ می‌کند. نسخه اصلی این‌کتاب در سال ۱۹۶۳ توسط انتشارات بنتام منتشر شده‌است.

این‌کتاب مجموعه‌ای از حوادث کمیک پرآپ‌وناب و پراغراق از زندگی تازه‌جوانی نویسنده در دوران اقامتش در خانه پدری در کلمبوس آهایو و ماجراهای غریب خانواده‌اش است که برای مخاطب نامتعارف خواهد بود. این‌نویسنده در توصیف یک‌ماجرای عامده‌ن برای زیادکردن چاشنی خنده، از این‌شاخه به آن‌شاخه می‌پرد، از خط اصلی داستان خارج می‌شود و حوادث عجیب‌وغریبی را نقل می‌کند که شگفت‌انگیز هستند.

حسن هاشمی مینباد پیش‌تر کتاب «حکایت‌هایی برای زمانه ما بازم حکایت‌هایی برای ما» را از همین‌نویسنده ترجمه کرده که بهار امسال توسط نشر نو چاپ شد. جیمز گروور تریر متولد سال ۱۸۹۴ درگذشته به سال ۱۹۶۱ رمان‌نویس، طنزپرداز، روزنامه‌نگار، نمایشنامه‌نویس و طراح آمریکایی بود که بیشتر به‌خاطر داستان‌های کوتاهش شناخته می‌شود. او از طنزپردازان بزرگ آمریکاست که «میراث آمریکا» لقب دارد. از این‌نویسنده به‌عنوان دومین طنزپرداز بزرگ آمریکا پس از مارک تواین یاد می‌شود. «حکایت‌هایی برای زمانه ما» مجموعه‌ای از قصه‌هایی به سبک داستان‌های ازوپ و لافوتین است که همگی ابتدا در مجله نیویور کر چاپ شده بودند و سپس در سال ۱۹۴۰ به‌طور مستقل چاپ شدند.

«زندگانی من و روزگار سخت» دو مقدمه و یک‌مخوره دارد که مقدمه اول را جان ک.هاچنز نوشته و باقی را خود جیمز تریر. بدنه کتاب هم ۹ فصل اصلی دارد.

عناوین ۹ فصل کتاب به‌این‌ترتیب هستند: «شبی که تخت‌خواب‌افتاد»، «هاشینی که همه‌اش باید هل می‌دادیم»، «روزی که سذ شکست»، «شبی که روح آمد»، «باز هم واهمه‌هایی در شب»، «یک قطار کلفت»، «سگی که مردم را گاز می‌گرفت»، «ایام دانشجویی» و «روزگار تیره در هیئت مشمولین» در قسمتی از فصل «هاشینی که همه‌اش باید هلش می‌دادیم» می‌خوانیم:

حالا که پدربزرگ با اصطلاح می‌دانست چه‌کسی مرده، به‌نظرش ادامه زندگی با یک میت و تصور این که هیچ اتفاقی نیفتاده، هرچه بیشتر ننگ‌درد اسباب ننگ و شرم است. خشمش بالا می‌گرفت و تهدید می‌کرد که اگر فی‌الغور مراسم تدفین انجام نشود، به اداره بهداشت شکایت می‌کند. دیدیم که باید یک کاری بکنیم. بالاخره یکی از دوستان پدر به نام جورج مارتین را قانع کردیم که به شکل و شمایل مرده‌های دهه ۱۸۶۰ بر بیاید و خود را عمو زناس جایزند تا بتوانیم خیال پدربزرگ را راحت کنیم. عمو زناس قلابی با پارلفی‌ها و کلاه‌شاپوی نمدی از جنس خز سگ آبی، با ایهت و عالی به نظر می‌رسید و چندان بی‌شبهت نبود به عکس لوحی جیوه‌ای که از عمو در آلبوم خودمان داشتیم. این شب، درست بعد از شام، را هیچ‌وقت از یاد نمی‌برم زیرا که این زناس قدم به اتاق نشیمن گذاشت. پدرم با یک قد بلند و عرق‌آغلی و عزم راسخ، گروپ‌گرومپ در اتاق بالا و پایین می‌رفت. تازه‌وارد هر دو دستش را باز کرد و بلندبلند خطاب به پدربزرگ گفت: «سلام، کلم!» پدربزرگ آهسته و بگشت، نگاهی به این مهمان ناخوانده انداخت و بادی به گلو انداخت. با صدای بم هرطنلیش پرسید: «تو دیگه کسی هستی؟» مارتین بلندبلند جواب داد: «من زناس هستم! برادرت زناس، شر و سر و گنده سرحال و قیراق!» پدربزرگ گفت: «زنانس؟ این رو باش! زناس در سال ۶۶ از افت شابلوط مرد!» این‌کتاب با ۱۸۴ صفحه، شمارگان ۷ هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۲۸ هزار تومان منتشر شده است.